

## اثر هزینه‌های دولت بر شکاف درآمدی روستا - شهری

محمدحسن فطرس

عضو هیئت علمی گروه اقتصاد دانشگاه بوعلی سینا



### ۱ - مقدمه

دولت یکی از کارگزاران اقتصادی است. تحولی که کینز در نظریه اقتصادی ایجاد کرد موجب دگرگونی پندارهای پیشین در مورد محدودیت نقش دولت به عنوان تأمین کننده کالاها و خدمات عمومی شد. از آن پس، فراهم آوردن زمینه‌های رشد اقتصادی، اشتغال، ثبات قیمت‌ها و به طور خلاصه تأمین تعادل‌های کلان اقتصادی به وظایف کلاسیک دولت افزوده گردید.

اگر از نظریه‌های دولت‌مدار انواع سوسیالیسم که از قرن نوزدهم نضج گرفت و در قرن بیستم در برخی کشورها پایه تشکیل دولتهای سوسیالیستی شد صرف نظر کنیم، از جنگ جهانی دوم به بعد پشتوانه نظری افزایش نقش و اهمیت دولت در اقتصادهای صنعتی نظریه کینزی بوده است. در جهان غیرصنعتی نیز سهم دولت، بنا به دلایل متفاوتی، در اقتصاد این کشورها زیاد

است.

دخالت دولت در اقتصاد از طریق ابزارهای مالی (بودجه‌ای)، پولی و درآمدی صورت می‌گیرد. سهم هزینه‌های دولت در تولید ناخالص داخلی را به مثابه سنجۀ میزان دخالت دولت در اقتصاد به کار می‌برند. از این نظر، رشد مخارج دولت را می‌توان به معنای گسترش نقش دولت در اقتصاد تلقی کرد. مخارج دولت به مخارج جاری و عمرانی تقسیم می‌شود. این تقسیم‌بندی لزوماً همپوش با مفاهیم هزینه مصرفی و سرمایه‌ای نیست.

صرف نظر از سرچشمه‌های تاریخی، گسترش نقش دولت در اقتصاد ایران طی پنج دهه اخیر بیشتر ناشی از تسهیلات فراهم آمده از عواید صادرات نفت بوده که در واقع برداشت از ثروت ملی بوده است، نه ناشی از تولید ملی<sup>(۱)</sup>.

پرسش این است که چه سهمی از مخارج دولت نصیب بخش روستایی کشور شده است؟ در این مقاله در پی آزمون این فرضیه هستیم که افزایش نقش دولت در اقتصاد ایران منجر به افزایش شکاف درآمدی روستا - شهری گردیده است. نخست، سهم درآمدهای خانوار شهری و خانوار روستایی از هزینه‌های جاری دولت بررسی می‌شود، سپس به تحلیل شاخص میزان برخورداری مناطق شهری و روستایی از مخارج عمرانی دولت می‌پردازیم. در پایان، نتایج حاصل از این دو قسمت به کمک فنون اقتصاد سنجی مورد آزمون قرار می‌گیرند.

## ۲ - سهم درآمدهای خانوارهای شهری و روستایی در هزینه‌های جاری دولت

می‌دانیم که بودجه برنامه کوتاهمدت دولت را در زمینه‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی ترسیم می‌کند. سازماندهی و مدیریت اقتصاد به وسیله بودجه انجام می‌گیرد. گستردگی و عمق این سازماندهی تعیین کننده میزان دخالت واقعی دولت در اقتصاد است.



پیشگاه علوم و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

قدرت و توان این دخالت را می‌توان از طریق حجم هزینه‌های بودجه اندازه‌گیری کرد.

حجم هزینه‌های دولت در دهه‌های اخیر افزایش چشمگیری داشته است. در دوره‌هایی که عواید حاصل از صدور نفت افزایش داشته، هزینه‌های واقعی دولت نیز به تبع آن فزونی یافته است. به عنوان مثال، «حجم بودجه کشور از ۳۱۵ میلیارد ریال در سال ۱۳۵۰ به ۱۷۰۰ میلیارد ریال در سال ۱۳۵۳ رسید»<sup>(۱)</sup>. البته افزایش حجم هزینه‌های اسمی لزوماً به معنای افزایش توان دخالت دولت در اقتصاد نیست. زیرا افزایش سطح عمومی قیمت‌ها و همچنین رشد جمعیت می‌تواند موجب کاهش هزینه‌های واقعی سرانه بودجه باشد.

در این بخش، به بررسی میزان سهم خانوارهای روستایی و خانوارهای شهری از هزینه‌های جاری دولت می‌پردازیم. چون ارقام هزینه‌های جاری دولت به تفکیک شهر و روستا در دسترس نیست، در این تحقیق از متغیر متوسط درآمد خانوار شهری و خانوار روستایی دریافتی از دولت استفاده می‌کنیم. این متغیر در اطلاعات آماری تحت عنوان «مزد و حقوق بگیران دولتی» منعکس می‌شود. به وسیله این متغیر، سهم درآمدهای خانوارهای شهری و روستایی را از هزینه‌های جاری دولت تعیین می‌کنیم. منظور از «مزد و حقوق بگیران دولتی»، حقوق و دستمزدی است که یک یا چند عضو خانواده به عنوان کارمند یا کارگزار دولتی دریافت کرده است.

## ۲-۱ - سهم درآمد یک خانوار شهری از هزینه‌های جاری دولت

جدول شماره (۱) متوسط درآمد ناشی از مزد و حقوق بگیران دولتی و متوسط درآمدهای سالانه یک خانوار شهری را نشان می‌دهد. در طی دوره زمانی ۱۳۶۱ تا ۱۳۷۰ نسبت درآمد خانوار شهری ناشی از مزد و حقوق بگیران دولتی از ۲۹/۲ درصد در سال ۱۳۶۱ به ۱۸/۷

درصد در سال ۱۳۷۰ کاهش یافته است. متوسط درآمد یک خانوار شهری در آغاز دوره ۷۰۹ هزار ریال بوده که در پایان دوره به ۲۸۴۱ هزار ریال رسیده است. کاهش سهم مزد و حقوق بگیری دولتی در متوسط درآمد خانوار شهری به دلیل افزایش سهم سایر درآمدها مانند «درآمد مشاغل آزاد کشاورزی و غیر کشاورزی» در طی دوره بوده است. همچنین محدودیت استخدام دولتی و ثابت ماندن نسبی مزد و حقوق دولتی می تواند از دیگر عوامل این کاهش باشد.

جدول شماره ۱: متوسط درآمدهای سالانه یک خانوار شهری و سهم درآمد

مزد و حقوق بگیری دولتی از ۱۳۶۱ تا ۱۳۷۰ (هزار ریال)

سال	متوسط درآمد <sup>(۱)</sup>	متوسط درآمد ناشی از مزد و حقوق بگیری دولتی <sup>(۲)</sup>	نسبت (۲) به (۱) درصد
۱۳۶۱	۷۰۹	۲۰۷	۲۹/۲
۱۳۶۲	۹۱۹	۲۶۶	۲۸/۹
۱۳۶۳	۱۰۳۴	۲۸۴	۲۷/۵
۱۳۶۴	۱۰۳۷	۳۰۳	۲۹/۲
۱۳۶۵	۱۱۲۷	۳۱۲	۲۷/۷
۱۳۶۶	۱۱۴۹	۲۹۹	۲۶/۰
۱۳۶۷	۱۳۳۹	۳۲۰	۲۳/۹
۱۳۶۸	۱۴۶۸	۳۴۶	۲۳/۶
۱۳۶۹	۲۰۱۱	۴۰۸	۲۰/۳
۱۳۷۰	۲۸۴۱	۵۳۱	۱۸/۷

مأخذ: مرکز آمار ایران، الگوی مصرف و درآمد خانوارهای شهری و روستایی کشور (۱۳۵۰ - ۱۳۷۰)، ص ۳۹ - ۳۸

## ۲-۲ - سهم متوسط درآمد ناشی از مزد و حقوق بگیری دولتی

### در درآمد متوسط خانوار روستایی

جدول شماره (۲) داده‌های مربوط به سهم متوسط درآمد ناشی از مزد و حقوق بگیری دولتی در درآمد متوسط یک خانوار روستایی را طی دوره ۱۳۶۱-۱۳۷۰ نشان می‌دهد. در سال ۱۳۶۲ متوسط درآمد یک خانوار روستایی ۴۷۲ هزار ریال بوده است که ۶۰ هزار ریال یعنی ۱۲/۷ درصد آن از مزد و حقوق بگیری دولتی سرچشمه می‌گرفته است. این نسبتها در سالهای ۱۳۶۹ و ۱۳۷۰ به ترتیب ۹/۵ درصد و ۱۰/۶ درصد بوده‌اند. هر چند ارقام مطلق متوسط درآمد و همچنین مزد و حقوق دولتی بیش از دو برابر افزایش نشان می‌دهند، اما همانگونه که گفتیم نسبت مزد و حقوق بگیری دولتی کاهش داشته است که می‌توان دلایل زیر را برای این تغییر ذکر کرد:

الف) افزایش در متوسط درآمد خانوار روستایی بیش از افزایش در درآمد ناشی از مزد و حقوق بگیری دولتی بوده است؛

ب) سهم درآمد مشاغل آزاد غیر کشاورزی افزایش چشمگیری داشته است:

این سهم در سال ۱۳۵۴، ۸/۹ درصد؛ در سال ۱۳۶۹، ۱۳/۸ درصد و در سال ۱۳۷۰،

۱۷/۶ درصد بوده است.

اقتصاد کشاورزی و توسعه - شماره ۱۱

جدول شماره ۲: متوسط درآمد خانوار روستایی و سهم

درآمد مزد و حقوق بگیری دولتی از ۱۳۶۱ تا ۱۳۷۰

(هزار ریال)

سال	متوسط درآمد <sup>(۱)</sup>	درآمد مشاغل مزد و حقوق بگیری دولتی <sup>(۲)</sup>	نسبت (۲) به (۱) درصد
۱۳۶۱	۳۹۱	۰.۰	—
۱۳۶۲	۴۷۲	۶۰	۱۲/۷
۱۳۶۳	۵۲۵	۶۶	۱۲/۶
۱۳۶۴	۵۳۲	۶۶	۱۲/۴
۱۳۶۵	۵۶۹	۷۰	۱۲/۳
۱۳۶۶	۷۲۴	۱۰۲	۱۴/۱
۱۳۶۷	۹۰۹	۱۰۱	۱۱/۱
۱۳۶۸	۱۰۱۲	۸۹	۸/۸
۱۳۶۹	۱۲۵۱	۱۲۹	۹/۵
۱۳۷۰	۱۵۶۳	۱۶۵	۱۰/۶

مأخذ: منبع شماره (۱) ص ۲۳-۲۲

۲-۳ - شکاف درآمدی شهری - روستایی ناشی از مزد و حقوق بگیری دولتی

آمار و ارقام بودجه خانوار نشان می دهند که در سال ۱۳۶۲ یک خانوار روستایی ۶۰ هزار ریال و یک خانوار شهری به طور متوسط ۲۶۶ هزار ریال از منبع دولتی دریافت می کرده اند. ارقام مشابه برای سال ۱۳۶۷ به ترتیب ۱۰۱ هزار ریال و ۳۲۰ هزار ریال بوده است. در سال ۱۳۶۸ یعنی نخستین سال اجرای برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ارقام مزبور به ترتیب به ۸۹ و ۳۶۶ هزار ریال رسید. یعنی در فاصله سالهای ۱۳۶۷ و ۱۳۶۸ متوسط درآمد ناشی از مزد و

حقوق بگیری دولتی خانوار روستایی حدود ۱۲ هزار ریال کاهش یافت. در حالی که در همین مدت متوسط درآمد خانوار شهری از منبع دولتی ۲۶ هزار ریال افزایش داشت. در سال ۱۳۷۰ - آخرین سالی که آمار آن در دسترس قرار دارد - متوسط درآمد خانوار روستایی و خانوار شهری ناشی از مزد و حقوق بگیری دولتی به ترتیب به ۱۶۵ هزار و ۵۳۱ هزار ریال رسید. اگر چه برای خانوار روستایی متوسط درآمد حاصل از منبع دولتی نسبت به سال اول برنامه تقریباً دو برابر شده است، اما شکاف مطلق بین درآمد خانوار شهری - روستایی در این مدت به نحو چشمگیری فزونی گرفته است. یعنی از ۲۵۷ (= ۸۹ - ۳۴۶) هزار ریال به ۳۶۶ (= ۱۶۵ - ۵۳۱) هزار ریال رسیده است. به عبارت دیگر، شکاف درآمدی ناشی از مزد و حقوق بگیری دولتی بین خانوار شهری و خانوار روستایی از ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۰ به میزان ۱۰۹ هزار ریال بیشتر شده است.

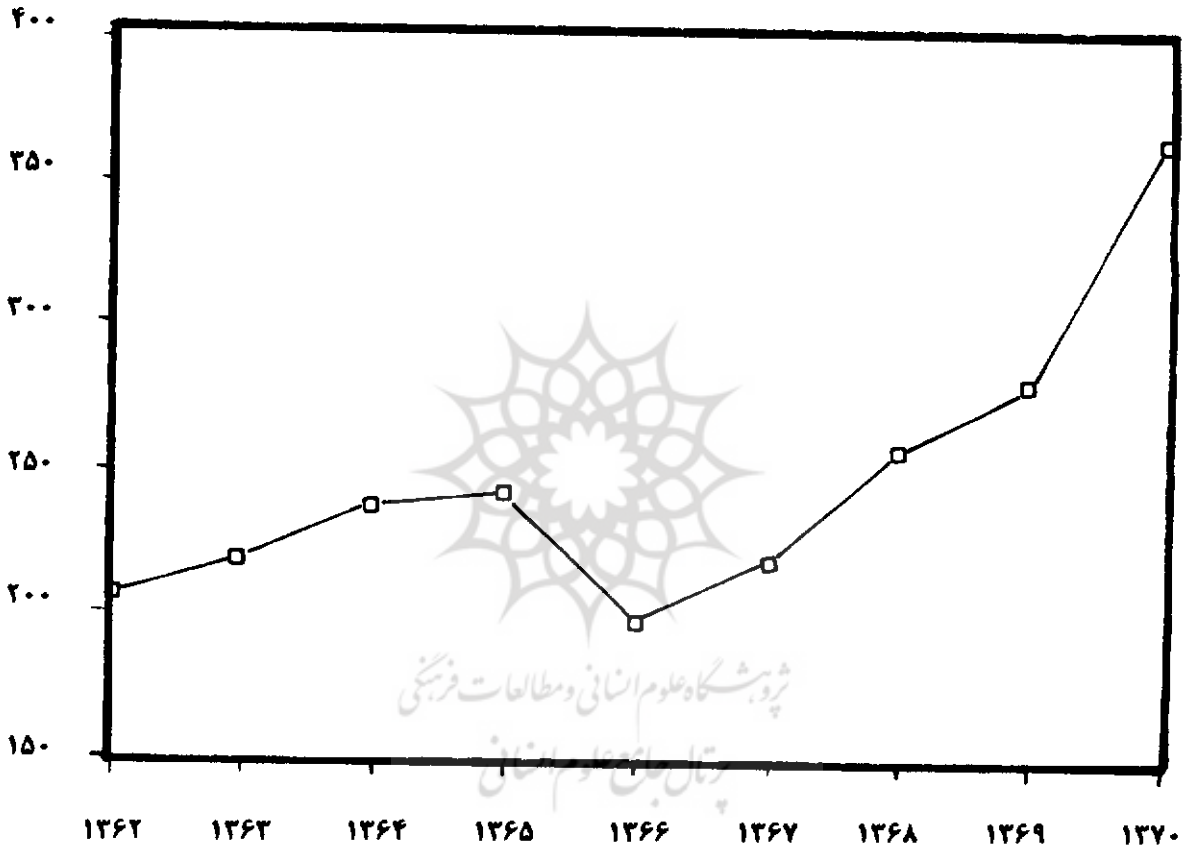
«افزایش متوسط درآمد سرانه شاغلان بخش کشاورزی و ایجاد تعادل نسبی درآمدهای آنان و شاغلان سایر بخشها»<sup>(۳)</sup> یعنی کاهش شکاف درآمدی بین شهر و روستا یکی از هدفهای برنامه اول توسعه کشور بوده است. اما بررسی الگوی مصرف و درآمد خانوارهای شهری و روستایی کشور، همانطور که دیدیم، نشان می دهد که این شکاف طی برنامه و براساس متغیر کمکی که در این بررسی به کار بردیم، بیشتر شده است. البته بخشی از این اختلاف درآمد از این واقعیت سرچشمه می گیرد که فعالیتهای گوناگون دولت عمدتاً در مناطق شهری متمرکزند. بنابراین، اکثریت مطلق کارگزاران دولتی در مناطق شهری زندگی می کنند. پس طبیعی است که سهم مزد و حقوق بگیری دولتی در متوسط درآمد خانوار شهری بسیار بالاتر از خانوار روستایی باشد.

نمودار شماره (۱) شکاف درآمدی خانوارهای شهری - روستایی ناشی از مزد و حقوق بگیری دولتی را نشان می دهد. ملاحظه می شود که شکاف مزبور در آغاز دوره نیز عمیق است. اما طی برنامه اول به رغم هدف برنامه این شکاف بیشتر شده است. نکته درخور توجه این است که شکاف درآمدی در پی کاهش هزینه های جاری دولت کاهش می یابد. مثلاً در سال ۱۳۶۵ که به دلیل مشکلات اقتصادی بویژه کاهش درآمدهای نفتی هزینه های جاری دولت کاهش چشمگیری یافت. شکاف درآمدی روستا - شهری با یک سال تأخیر در سال ۱۳۶۶ کاهش پیدا کرد.



نمودار شماره (۱): شکاف درآمدی خانوارهای شهری - روستایی

ناشی از مزد و حقوق بگیران دولتی، ۱۳۶۲ - ۱۳۷۰



### ۳- میزان برخورداری مناطق شهری و روستایی از پرداختیهای عمرانی دولت

در بخش پیشین ملاحظه شد که قسمت عمده مخارج جاری دولت نصیب خانوارهای شهری می‌شود. در این بخش به بررسی میزان برخورداری مناطق شهری و روستایی از هزینه‌های عمرانی دولت می‌پردازیم.

سرمایه، نیروی انسانی و منابع طبیعی عوامل اصلی تولیدند. مقدار تولید هر جامعه بستگی به میزان دسترس آن جامعه به این عوامل و توانایی آن در ارتقای کیفیت آن عوامل را دارد. افزایش در حجم سرمایه موجود و همچنین جبران مصرف سرمایه (استهلاک) را سرمایه‌گذاری ناخالص داخلی گویند. مسائل سرمایه و سرمایه‌گذاری در ادبیات رشد و توسعه جایگاه ویژه‌ای دارند. نقش و سهم دولت در تشکیل سرمایه ناخالص ملی بخصوص سرمایه‌گذاری در زیرساختها انکارناپذیر است<sup>(۱)</sup>.

سهم دولت در سرمایه‌گذاری ملی را می‌توان از طریق بررسی پرداختیهای عمرانی دولت تبیین کرد و از آنجا در مورد نقش دولت در رشد اقتصادی که یکی از اهداف فعالیت بخش عمومی است قضاوت کرد. جدول شماره (۳) کل هزینه‌های عمرانی دولت، پرداختی برای امور اقتصادی و زیربخش آن «کشاورزی و منابع طبیعی» را برای دوره زمانی ۱۳۵۰ تا ۱۳۷۱ نشان می‌دهد. اگر فصل هزینه‌های عمرانی دولت برای کشاورزی و منابع طبیعی را به‌عنوان شاخص سهم بخش روستایی از مخارج عمرانی دولت بپذیریم، ملاحظه می‌شود که قسمت عمده پرداختیهای عمرانی - همانند پرداختیهای جاری - دولت نیز نصیب بخش شهری می‌شود. بنابراین، آثار مثبت اقتصادی هزینه‌های عمرانی به‌نحو نامتعادلی بین مناطق شهری و روستایی توزیع می‌شود.

سهم امور اقتصادی در کل هزینه‌های عمرانی دولت طی زمان نوسانهای زیادی نشان می‌دهد. این سهم در سال ۱۳۵۴ به ۴۵ درصد رسیده حال آنکه در سالهای ۱۳۵۰ و ۱۳۵۱، بالغ بر ۷۴ درصد بوده است. در سال ۱۳۵۴ به دلیل افزایش درآمدهای نفتی پرداختیهای عمرانی دولت افزایش چشمگیری داشته است. اما سهم امور اقتصادی به‌همان میزان افزایش نداشته

اقتصاد کشاورزی و توسعه - شماره ۱۱

جدول (۳) هزینه‌های عمرانی دولت کل، امور اقتصادی و زیربخش کشاورزی

و منابع طبیعی طی دوره ۱۳۵۰ - ۱۳۷۱

سال	کل هزینه‌های عمرانی دولت (۱)	جمع امور اقتصادی (۲)	کشاورزی و منابع طبیعی (۳)	امور اقتصادی به کل هزینه‌های عمرانی $\frac{(۲)(۱)}{\times ۱۰۰}$ (٪)	کشاورزی و منابع طبیعی به امور اقتصادی $\frac{(۳)(۱)}{\times ۱۰۰}$ (٪)
۱۳۵۰	۱۱۵/۹	۸۵/۴	۹/۲	۷۴	۱۱
۱۳۵۱	۱۲۱/۸	۸۹/۶	۱۲/۲	۷۴	۱۴
۱۳۵۲	۱۶۱/۲	۹۲/۳	۱۲/۸	۵۷	۱۴
۱۳۵۳	۳۴۸/۶	۲۱۴/۱	۳۰/۹	۶۱	۱۴
۱۳۵۴	۵۲۶/۸	۲۳۹/۱	۳۶/۰	۴۵	۱۵
۱۳۵۵	۵۹۱/۶	۲۹۰/۳	۳۴/۲	۴۹	۱۲
۱۳۵۶	۹۲۶/۳	۶۲۳/۳	۴۳/۰	۶۷	۷
۱۳۵۷	۶۵۷/۱	۵۱۲/۴	۵۳/۸	۷۸	۱۰
۱۳۵۸	۵۲۳/۳	۳۶۱/۰	۵۵/۹	۶۹	۱۵
۱۳۵۹	۵۶۸/۱	۳۲۲/۲	۲۶/۶	۵۷	۸
۱۳۶۰	۶۷۴/۲	۳۷۴/۵	۲۵/۲	۵۶	۷
۱۳۶۱	۹۱۴/۸	۵۲۵/۳	۴۸/۶	۵۷	۹
۱۳۶۲	۱۱۴۸/۶	۷۱۶/۱	۷۴/۸	۶۲	۱۰
۱۳۶۳	۸۷۸/	۵۹۴/۳	۷۷/۸	۶۸	۱۳
۱۳۶۴	۷۶۵/۲	۴۹۲/۱	۵۳/۴	۶۴	۱۱
۱۳۶۵	۷۴۶/۵	۴۷۱/۰	۶۶/۶	۶۳	۱۴
۱۳۶۶	۷۲۹/۲	۴۳۸/۴	۶۶/۴	۶۰	۱۵
۱۳۶۷	۸۱۶/۴	۴۳۵/۲	۷۶/۲	۵۳	۱۸
۱۳۶۸	۹۳۱/۵	۵۶۲/۸	۱۰۵/۴	۶۰	۱۹
۱۳۶۹	۱۷۶۶/۳	۱۰۴۲/۰	۱۶۶/۴	۵۹	۱۶
۱۳۷۰	۲۵۲۷/۰	۱۵۳۲/۵	۱۹۹/۶	۶۱	۱۳
۱۳۷۱	۲۹۶۲/۳	۱۵۴۴/۶	۲۴۰/۹	۵۲	۱۶

است. شاید ضعف ظرفیت جذب اقتصاد یکی از دلایل عمده چنین وضعیتی باشد<sup>(۵)</sup>. چنین نوسانهایی در سهم «کشاورزی و منابع طبیعی» در کل پرداختیهای امور اقتصادی نیز ملاحظه می‌شود: از ۷ درصد در سالهای ۱۳۵۶ و ۱۳۶۰ تا ۱۹ درصد در سال ۱۳۶۸ یعنی سال آغاز برنامه اول. افزایش چشمگیر این فصل در طی برنامه اول را می‌توان به‌عنوان مساعی در جهت نیل به هدف برنامه تلقی کرد. اما در مجموع، با توجه به اینکه نیمی از جمعیت کشور در مناطق روستایی زندگی می‌کنند و از سوی دیگر با توجه به آنکه کشاورزی تا حد محور توسعه قرار دادن آن ارتقاء یافته است، سهم سرمایه‌گذاری دولت در این مناطق در حد این انتظارات و هدفها نیست. هر چند همانگونه که جدول نشان می‌دهد در دوره برنامه نسبت به قبل از آن این سهم افزایش چشمگیری داشته است. نتیجه‌ای که از این بخش می‌توان گرفت این است که پرداختیهای عمرانی دولت برای امور کشاورزی نقش چندانی در کم کردن شکاف درآمدی روستا - شهری نداشته است.

#### ۴ - نقش دولت در شکاف درآمدی شهری - روستایی

در بخشهای پیش با استفاده از تحلیلهای آماری و شاخصی معلوم شد که هر چه نقش دولت در اقتصاد کشور بیشتر شده شکاف درآمدی بین مناطق شهری و روستایی نیز بیشتر شده است. در این بخش به کمک تکنیکهای اقتصاد سنجی می‌خواهیم این نتیجه را محک زده، معنی داری رابطه بین نقش دولت و شکاف درآمدی را آزمون کنیم.

در این روش از دو متغیر «نقش دولت» و «شکاف درآمدی بین مناطق شهری و روستایی» استفاده می‌کنیم. همان گونه که پیش از این اشاره شد برای تعیین نقش دولت در اقتصاد از متغیر «مخارج دولت» به‌عنوان بهترین «متغیر جانشین» استفاده می‌کنیم. همچنین، نسبت متوسط

درآمدهای سالانه یک خانوار روستایی به متوسط درآمدهای سالانه یک خانوار شهری به عنوان شاخص شکاف درآمدی بین مناطق روستایی و شهری به کار می‌بریم. یعنی:

$$IRU = \frac{IR}{IU}$$

از آنجا که هدف بررسی میزان اثرگذاری مخارج دولتی (یعنی نقش دولت) بر روی شکاف درآمدی است، IRU را به عنوان متغیر هدف و مخارج دولتی (E) را به عنوان متغیر مستقل در نظر می‌گیریم. بیان ریاضی این رابطه را به صورت تابع ضمنی زیر می‌نویسیم:

$$IRU = F(E)$$

تابع کلی اخیر را به صورت زیر تصریح می‌کنیم:

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

$$IRU = a_0 + a_1 E + a_2 E^2$$

E و IRU را معرفی کردیم، E<sub>۲</sub> توان دوم E یعنی مخارج دولتی است.

برآورد الگوی بالا این امکان را فراهم می‌کند که بتوانیم میزان تأثیرگذاری مخارج دولت را بر روی شکاف درآمدی شهری - روستایی محاسبه کنیم، و سپس آن را آزمون نماییم.

به علاوه، نرخ تأثیرگذاری مذکور نیز روشن می‌گردد. فرآیند عمومی الگوسازی ایجاب می‌کند که پس از ارائه و معرفی پایهٔ تئوریک الگو و پیش از آغاز برآورد آن، متغیر هدف و متغیر مستقل مورد تحلیل شاخصی و آماری قرار گیرد. از این روی، رابطه بین مخارج دولت و شکاف درآمدی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

در دوره مورد بررسی (۱۳۶۱ - ۱۳۷۰) نسبت متوسط درآمد سالانه خانوار روستایی به متوسط درآمد خانوار شهری (IRU) پیوسته کمتر از یک بوده است. به عبارت دیگر، در این دوره متوسط درآمد خانوار شهری بیشتر از متوسط درآمد روستایی بوده است. در برخی از سالها (مانند سال ۱۳۶۳ و سال ۱۳۶۵) متوسط درآمد سالانه خانوار روستایی حدود نصف درآمد خانوار روستایی بوده است. باید به این نکته توجه داشت که چون بُعد خانوار روستایی به مراتب بیشتر از بُعد خانوار شهری است، اگر متوسط درآمد سالانه این مناطق مورد استفاده قرار می‌گرفت شکاف مذکور را عمیقتر می‌یافتیم. اما در روند آن تأثیر چندانی بر جای نمی‌گذشت. جدول شماره (۴) مخارج دولت، متوسط درآمد سالانه یک خانوار روستایی و یک خانوار شهری و همچنین نسبت درآمد این خانوارها را برای دوره زمانی ۱۳۶۱ تا ۱۳۷۰ نشان می‌دهد. ملاحظه می‌شود که شکاف درآمدی در سال ۱۳۶۸ به حداقل خود یعنی حدود ۶۹٪ رسیده است. در دورهٔ ۱۳۶۱ - ۱۳۶۵ شکاف درآمدی بین مناطق شهری و روستایی به وخامت گرایید از سال ۱۳۶۶ تا سال ۱۳۶۸ این شکاف به شدت کاهش یافت و پس از آن، یعنی در سالهای برنامه اول - برخلاف هدفهای برنامه - شدیداً افزایش پیدا کرد، به گونه‌ای که از ۶۸٪ در سال ۱۳۶۸ به ۵۵٪ در سال ۱۳۷۰ رسید. نمودار شماره (۲) روند شکاف مذکور در دورهٔ مورد بررسی را نشان می‌دهد.

هزینه‌های مصرفی به عنوان شاخص نقش دولت در اقتصاد طی این مدت دارای سه دورهٔ

رفتاری مجزا بوده است: از ۱۳۶۱ تا ۱۳۶۴ روند ثابتی داشته، پس از آن تا سال ۱۳۶۸ روند

جدول شماره ۴: مخارج دولت، متوسط درآمد سالانه خانوار شهری و روستایی و نسبت

درآمد متوسط سالانه خانوار روستایی به خانوار شهری، دوره ۱۳۶۱ تا ۱۳۷۰

Obs	E	IR	IU	IRU
1361	1910.000	392.00	710.000	0.552113
1362	1930.000	472.00	918.0000	0.514161
1363	1811.000	525.0000	1034.000	0.507737
1364	1898.000	531.0000	1037.000	0.512054
1365	1508.000	569.0000	1127.000	0.504880
1366	1403.000	723.0000	1149.000	0.629243
1367	1396.000	909.0000	1340.000	0.678358
1368	1189.000	1012.000	1467.000	0.689843
1369	1337.000	1251.000	2010.000	0.622388
1370	1450.000	1563.000	2841.000	0.550158

E: مخارج دولت

IR: متوسط درآمد سالانه یک خانوار روستایی

IU: متوسط درآمد سالانه یک خانوار شهری

$$\frac{IR}{IU} = IRU$$

نزولی شدیدی طی کرده و سپس در سالهای اجرای برنامه به شدت افزایش یافته است. نکته درخور توجه در بررسی روند هزینه‌های مصرفی دولت و روند شاخص شکاف درآمدی این است که در هر سه دوره مذکور رفتار دو متغیر بیانگر رابطه‌ای معکوس بین آنهاست. به گونه‌ای که در سالهای ۱۳۶۱ - ۱۳۶۴ که هزینه‌های مصرفی دولت با ثبات بوده است نسبت درآمد خانوار روستایی به خانوار شهری نیز با ثبات بوده است. در سالهای ۱۳۶۵ - ۱۳۶۸ که هزینه‌های مصرفی روند نزولی داشته است شکاف درآمدی نیز در حال کاهش بوده است. در دوره ۱۳۶۹ - ۱۳۷۰ که افزایشی در هزینه‌های جاری مشاهده می‌شود، شکاف درآمدی نیز روند افزایشی داشته است. بنابراین، همان‌گونه که نمودار نشان می‌دهد طی دوره ۱۳۶۱ - ۱۳۷۰ روند دو متغیر هزینه‌های مصرفی دولت و شاخص شکاف درآمدی در جهت مخالف یکدیگر بوده‌اند.

به منظور تعیین رابطه و علامت بین دو متغیر هزینه‌های مصرفی دولت و شاخص شکاف درآمدی از خط رگرسیون بین دو متغیر استفاده می‌شود. نمودار شماره (۳) (خط رگرسیون بین دو متغیر) رابطه‌ای معکوس بین دو متغیر را نشان می‌دهد. حال، پس از ملاحظه پایه تئوریک و تحلیل شاخصی و آماری انجام شده، با استفاده از داده‌های آماری مربوط به دوره ۱۳۶۱ - ۱۳۷۰، به کمک تکنیکهای اقتصادسنجی به برآورد الگوی ارائه شده می‌پردازیم. نتیجه برآورد مدل به صورت زیر حاصل می‌شود:

$$IRU = 2/45 - 0/002E + 6/4 \times 10^{-6}E^2 + 0/09D_{67}$$

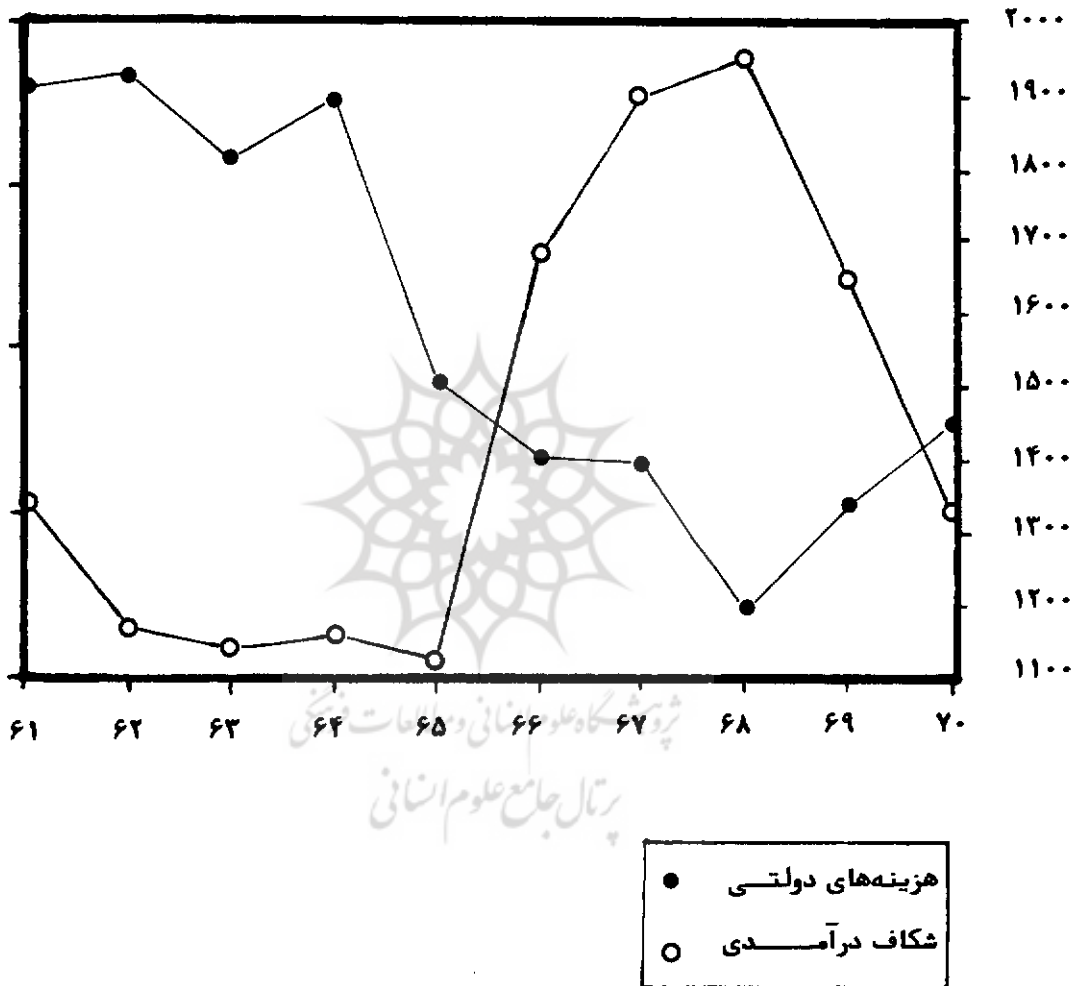
$$(1) \quad (4/69) \quad (-3/33) \quad (3/06) \quad (2/89)$$

$$R^2 = 0/89 \quad \bar{R}^2 = 0/83 \quad D.W. = 2/61 \quad F = 16/07 \quad N = 10$$

$D_{67}$  متغیر مجازی مربوط به سال پایان جنگ یعنی سال ۱۳۶۷ می‌باشد.



نمودار شماره ۲: روند مخارج دولت و روند شکاف درآمدی، طی دوره ۱۳۶۱ تا ۱۳۷۰



## اعتبار مدل

آماره‌های  $F$ ،  $R^2$  و  $DW$  بیانگر اعتبار مدل است.

آماره  $F$  معنی داری رگرسیون را می‌پذیرد و آماره  $D.W$  وجود خود-همبستگی را نمی‌پذیرد.

## اعتبار و تفسیر پارامترها

پارامترهای حاصل از لحاظ آماری از اعتبار لازم برخوردارند به گونه‌ای که تماماً با اطمینان  $0/98$  از صفر جدا می‌باشند. برآورد مذکور نشان می‌دهد که با افزایش هزینه‌های مصرفی دولت، نسبت متوسط درآمد سالانه یک خانوار روستایی به خانوار شهری کاهش می‌یابد؛ مثلاً با افزایش یک میلیارد ریال به هزینه‌های مصرفی دولت، این نسبت به میزان  $0/002$  کاهش خواهد یافت. به عبارت دیگر، فرضیه تأیید می‌کند که «افزایش مخارج دولتی و نقش دولت در اقتصاد، شکاف درآمدی بین مناطق شهری و روستایی را افزایش می‌دهد».

ضریب متغیر  $E^2$  بیانگر نرخ - تأثیرگذاری هزینه‌های مصرفی دولت بر روی متغیر هدف است. مقدار برآورد شده حاکی از آن است که با افزایش مخارج دولت شکاف درآمدی با نرخ فزاینده‌ای افزایش پیدا می‌کند. به عبارت دیگر، افزایش دخالت دولت در اقتصاد شکاف درآمدی بین مناطق شهری و روستایی را تشدید کرده است. ضریب متغیر مجازی  $D_{\text{پ}}$  یعنی سال پایان جنگ، حاکی از آن است که در این سال شکاف درآمدی کاهش یافته است.

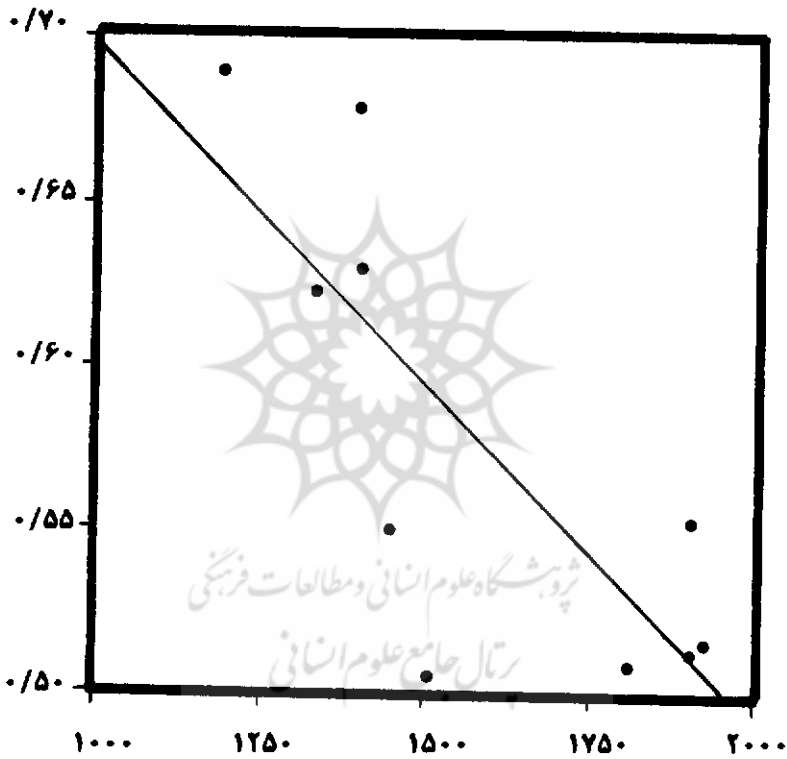
## نتیجه‌گیری

براساس نظریهٔ مالیه عمومی یکی از توجیحات اصلی دخالت دولت در اقتصاد نقش و وظیفه توزیعی آن است. بررسی حاضر معطوف به توزیع منطقه‌ای درآمد از طریق شکاف درآمدی روستا - شهری بود. دیدیم که افزایش مخارج دولت، بویژه مخارج مصرفی، در دورهٔ مورد

اقتصاد کشاورزی و توسعه - شماره ۱۱

نمودار شماره ۳: رابطه رگرسیونی بین شکاف درآمدی روستا - شهری و هزینه‌های

مصرفی دولت در دوره ۱۳۶۱ - ۱۳۷۰



بررسی شکاف مذکور را عمیقتر کرده است. آثار مخارج مصرفی دولت را از طریق انتخاب متغیر کمکی «مزد و حقوق‌بگیران دولتی» مناطق شهری و روستایی بررسی کردیم. می‌دانیم که اکثریت مطلق مزد و حقوق‌بگیران دولتی در مناطق شهری سکونت دارند بنابراین اینگونه مخارج دولت عمدتاً نصیب مناطق شهری می‌شود. در مورد هزینه‌های عمرانی دولت - هر چند در سالهای اخیر سهم آن در مناطق روستایی افزایش یافته است، اما در مقایسه با وزن و اهمیت مناطق روستایی این سهم برآورنده اهداف برنامه و جامعه نبوده است. از سوی دیگر با توجه به اینکه ضریب تکاثری مخارج در مناطق روستایی ایران به مراتب کوچکتر از ضریب تکاثری در مناطق شهری است، مخارج (مصرفی یا سرمایه‌ای) انجام گرفته در مناطق روستایی آثار تکاثری کمتری بر درآمد روستایی دارد. ضریب تکاثری مناطق روستایی ۱/۳۵ و ضریب تکاثری مناطق شهری ۳/۳۳ برآورد شده است (۶). بدین معنا که هزینه‌ای معادل یک ریال در مناطق روستایی ۱/۳۵ ریال و در مناطق شهری ۳/۳۳ ریال ایجاد درآمد می‌کند.

با توجه به آنچه گفته شد، نتایج زیر را می‌توان عنوان کرد:

الف) کاهش هزینه‌های (بویژه جاری) دولت موجب کاهش شکاف درآمدی روستا - شهری می‌گردد.

ب) روند تعدیل اقتصادی و خصوصی‌سازی که در صورت موفقیت از سوی کاهش حجم دخالت دولت و کارآمدتر کردن دیوانسالاری را در پی دارد و از سوی دیگر تصحیح قیمت‌های نسبی بویژه در مورد محصولات کشاورزی را دنبال می‌کند، در نهایت به نفع مناطق روستایی است و می‌تواند شکاف درآمدی روستا - شهری را کاهش دهد.



(۱) ن. ک. ب.

**FOTROS, M.H. (1979), LA POLITIQUE ENERGETIQUE ET  
SECTEUR AGRICOLE EN IRAN.  
Memoire de D.E.A. GRENOBLE**

- (۲) عظیمی، حسین (۱۳۷۱)، مدارهای توسعه نیافتگی در اقتصاد ایران، نشر نی ص ۲۴۵.  
(۳) پیوست قانون برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۶۸ - ۱۳۷۲)، سازمان برنامه و بودجه ص ۱۱-۴.  
(۴) ن. ک. ب. مانل، آلیسیا، «سرمایه گذاری زیربنایی و رشد اقتصادی» ترجمه م.ج. فطرس (نشر داخلی) گروه اقتصاد دانشگاه بوعلی ۱۳۷۲.  
(۵) ن. ک. ب.

**FOTOROS. M. H. (1982) PETROLE ET AGRICULTURE DANS  
LE PROJET DU DEVELOPPEMENT ECONOMIQUE  
DE L'IRAN, The`se de DOCTORAT, GRENOBLE. Ch. 5**

- (۶) مهرگان، نادر، (۱۳۷۱)، عوامل مؤثر در تشکیل سرمایه مناطق روستایی معاونت طرح و برنامه جهاد سازندگی، ص ۳۰.

منابع

- ۱- مرکز آمار ایران، الگوی مصرف و درآمد خانوارهای شهری و روستایی کشور ۱۳۵۰ - ۱۳۷۰، تهران، ۱۳۷۲  
۲- مرکز آمار ایران، سالنامه آماری سالهای مختلف  
۳- مهرگان، نادر، به ضرورت تفکیک معادله مصرف مناطق شهری و روستایی در الگوهای کلان اقتصادی ایران، معاونت طرح و برنامه جهاد سازندگی، تهران ۱۳۷۱



شرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رتال جامع علوم انسانی

۴. رونقی، حسنعلی، «چاره‌اندیشی برای کمبودهای بخش کشاورزی» اطلاعات سیاسی - اقتصادی شماره‌های ۸۹ - ۹۰، بهمن و اسفند ۱۳۷۳.
۵. سازمان برنامه و بودجه، مجموعه اطلاعاتی (سری زمانی آمار حسابهای پولی و مالی). ۱۳۷۳.